

بررسی استرداد مجرمین از منظر حقوق بین الملل

□ خلیل الله محمدی *

چکیده

استرداد مجرمین موضوع مناسبات بین المللی است که به واسطه معاهدات پذیرفته شده بین دولت‌ها منجر به بازگرداندن مجرمین و متهمان فراری شده تا عدالت در مورد آنان اجرا گردد و مجرمین بدون کیفر نمانند. پیشرفت وسایل نقلیه در جامعه بشری به مجرمان و تبهکاران این امکان را فراهم کرده است تا پس از ارتکاب جرم و برای فرار از مجازات به آسانی از کشور محل وقوع جرم به کشوری دیگر فرار نمایند. همین مسئله دستگاه‌های قضایی کشورها را بر آن داشته است تا با همکاری یکدیگر و در مقابل این پدیده با انعقاد معاهدات دوجانبه یا چند جانبه و با وضع قوانین و مقرراتی در این زمینه تبهکاران را به دام انداخته و آنان را به دستگاه عدالت سپرده و زمینه مجازات آنان را فراهم نمایند. در این حالت چنانچه مجرمین آگاهی یابند که در هر جایی از دنیا که مرتکب جرم شوند مصون از مجازات نخواهند بود، به صورت خودکار موجب کاهش جرم در جامعه خواهد شد. اهمیت موضوع آن زمان دوچندان می شود استرداد مجرمین هم موجب ایمن شدن کشور متقاضی عنه از خطرات مجرمین و هم موجب تأمین امنیت کشور متقاضی می شود. از این رو تبیین مفهوم استرداد، انواع استرداد، شرایط استرداد مجرمین و اصول حاکم بر معاهده‌های استرداد مجرمین از موضوعاتی مهم شایسته بررسی و تحقیق است بدین منظور تحقیق حاضر در باره بررسی معاهده استرداد مجرمین با روش تحلیلی - توصیفی سامان یافته است.

کلیدواژه‌ها: حقوق بین الملل، مجازات، مجرم، استرداد، معاهده.

مقدمه

مجازات، واکنش دولت و جامعه در قبال فعل هنجارشکن و ضد منافع عمومی و اخلاق جامعه است که از طرف مجرمین ارتکاب یافته است. خسارت و ضررهایی که مجرمین به جامعه و افراد وارد می‌کند باعث می‌شود که جوامع بشری برای آنان، قوانین و مجازات‌هایی وضع نماید تا ضمن جلوگیری از تکرار آن، موجب آرامش و برقراری نظم و امنیت در جامعه و اصلاح مجرمین شود. همچنین اگر جرم موجب ایراد خسارت به افراد شود باید مجرمین به دستگاه عدالت سپرده و مورد تعقیب و مجازات واقع شوند. لازمه مجازات مجرم توانایی دولت در تنبیه بزهکاران در دو بعد داخلی و بین‌المللی است. به این معنا که هم در بعد داخلی با وضع قوانین مناسب و مجازات مجرمین، بتواند موجب اقناع افکار عمومی جامعه شده و هم در ابعاد بین‌المللی بتواند با سازوکارهایی مجرمین و بزهکاران متواری را بازگردانده و به چنگال عدالت قضایی بسپارد. در بعد بین‌المللی دولت‌ها سعی می‌کنند با انعقاد توافقات و معاهدات دو و یا چندجانبه و با استفاده از روابط دیپلماتیک، اقدام به بازگرداندن مجرمین می‌نمایند.

گفتار اول: مفهوم شناسی استرداد

در این قسمت واژه‌های به‌کاررفته در نوشتار حاضر مورد تبیین و تعریف قرار می‌گیرد.

الف) مفهوم استرداد

۱. مفهوم لغوی استرداد

استرداد در لغت از ماده "رد" به معنای باز پس گرفتن، (شرتونی، اقرب الموارد، ۱۹۹۸، ج ۱، ص ۲۹۰ و نفیسی، فرهنگ نفیسی، ۱۳۷۸، ص ۲۶۱) درخواست بازگردانیدن، بازدهی و پس خواستن آمده است. (عمید، فرهنگ عمید، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴) و گفته می‌شود: "استرد یعنی استرجع"؛ سألَه أن یرد علیه... (راغب اصفهانی، مفردات، ۱۴۱۲، ص ۳۴۹) چنانکه ابن منظور می‌نویسد: «استردَّ الشَّیْءَ وَ ارْتَدَّه: طَلَبَ رَدَّه». (ابن منظور، لسان العرب، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۱۷۳)

۲. مفهوم اصطلاحی استرداد

استرداد مجرمین در اصطلاح حقوق‌دانان نیز این‌گونه تعریف شده است: «باز پس گرفتن مجرم که از کشوری به کشور دیگر گریخته به وسیله دولت تقاضا کننده، از دولتی که مجرم به آنجا گریخته است، این عمل مسبوق به توافق و قرارداد دو دولت است». (لنگرودی، ۱۳۸۹، ص ۳۶)

مرحوم دکتر عبدالحسین علی‌آبادی در این باره می‌نویسد: «استرداد عبارت است از: تسلیم مقصری به کشور دیگر که استرداد او را خواستار شده تا محاکم آن کشور به اتهام او رسیدگی نمایند و اگر شخص مزبور از طرف کشور تقاضا کننده محکوم شده و به کشور دیگر فرار کرده باشد، از کشور مزبور تقاضا می‌کنند که حکم محکومیت را به اجرا گذارد». (علی‌آبادی، ج ۳، ص: ۱۵۴)

محقق دیگر درباره استرداد می‌نویسد: «اقداماتی که بر اثر آن دولت‌ها متقابلاً افرادی را که به علت جرم تحت تعقیب مقامات قضایی دولت قرار گرفته و یا محکوم شده‌اند و به قلمرو دولت دیگر فرار کرده‌اند موافق قواعد و شرایط خاصی به یکدیگر مسترد می‌دارند. دولتی که استرداد را تقاضا می‌کند، متقاضی و دولتی که از او تقاضای استرداد می‌شود دولت متقاضی عنه نامیده می‌شود». (عباسی، ۱۳۷۱، ص ۱۸)

استرداد مانند اخراج است منتهی با این تفاوت که اخراج جنبه داخلی دارد و برای حفظ نظم صورت می‌گیرد ولی استرداد جنبه بین‌المللی دارد و برای تأمین همکاری و تعاون دولت‌ها انجام می‌شود. (صفدری، بیتا: ج ۲، ص ۶۶۳)

گارو نیز در این زمینه می‌نویسد: «قدرت هر کشوری محدود است به سرحدات آن کشور، ولی دولت‌ها برای اجرای احکام کیفری و قضایی خودشان با یکدیگر یک نوع همکاری و تعامل متقابل دارند که به این همکاری استرداد می‌گویند». (گارو، ۱۳۴۳: ج ۱ ص ۳۷۸-۳۷۹)

به نظر می‌رسد که تعاریف فوق، مفهوم واضحی از استرداد را بیان می‌نماید و نیازی به تفصیل بیشتر در این زمینه نیست.

گفتار دوم: مبانی استرداد مجرمین

۱. معاهده‌های بین‌دولت‌ها

نخستین مبنای قرارداد استرداد مجرمین، معاهده‌های منعقدشده بین دولت‌ها در باره استرداد

مجرمین می‌باشد. معاهدات در دسترس ترین مبنا در تمامی قراردادهای بین دولتها و سازمان‌های بین‌المللی است. در باره تعریف قرارداد بین‌المللی، در کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل متحد مصوب سال ۱۹۶۲ آمده است: «هرگونه توافق بین‌المللی بدون که در یک سند یا در دو یا چند سند الحاقی ذکر شده و بین دو یا چند دولت و چند موضوع حقوق بین‌الملل منعقد گردیده و حقوق بین‌الملل بر آن حاکم باشد، بدون توجه به نام خاص آن (قرارداد، معاهده، عهدنامه، پروتکل، میثاق، منشور، اساسنامه، اعلامیه، موافقت‌نامه‌های مذهبی، مبادله یادداشت‌ها، یادداشت موافقت و غیره) به عنوان قرارداد، مورد قبول کمیسیون می‌باشد». (صافی، ودیر، حقوق بین‌الملل عمومی، ۱۳۸۳، ص: ۳۸)

معاهدات بین‌المللی طرفین قرارداد را ملتزم به ایفای تعهد خود بر اساس قرارداد موجود فی‌مابین می‌کند. ماده ۱ قانون راجع به استرداد مجرمین ایران، مصوب ۱۳۳۹ در این باره مقرر داشته است: «در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده، استرداد طبق شرایط مذکور به عمل خواهد آمد و چنانچه قرارداد منعقد نشده باشد و یا اگر منعقد شده و حاوی تمام نکات لازم نباشد، استرداد طبق مقررات این قانون، به شرط معامله متقابل خواهد آمد». امروزه با توجه به اصل تقدم حقوق بین‌الملل بر حقوق داخلی، معاهدات بین دول از اهمیت بسزایی برخوردار شده‌اند؛ از همین رو در ماده ۹ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران مقنن درباره عهدنامه‌های بین‌المللی مقرر کرده است: «مقررات عهدی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است.»

۲. قوانین داخلی کشورها

دومین مبنای معاهده‌های استرداد مجرمین، قوانین داخلی کشورهاست؛ قوه مقننه کشورها غالباً در مورد استرداد، قوانینی را وضع می‌نمایند که بر اساس آن معاهده استرداد مجرمین با کشورهای دیگر منعقد می‌شود؛ و همین قوانین داخلی مبنای آن عهدنامه‌ها قرار می‌گیرد. ذکر این نکته لازم است که قوانین داخلی مصرف داخلی دارد و برعکس عهدنامه که دویا چند جانبه‌اند. قوانین داخلی یک‌طرفه است و در صورتی که عهدنامه و قراردادی وجود نداشته باشد، به قانون داخلی عمل و استناد می‌شود.

به عنوان مثال اگر بین ایران و آمریکا قرارداد استرداد مجرمین وجود نداشته باشد و فردی در ایران مرتکب جرمی شود و آمریکا خواهان استرداد وی شود بر اساس قانون داخلی که مقرر کرده است: «... و چنانچه قرارداد منعقد نشده باشد و یا اگر منعقد شده و حاوی تمام نکات لازم نباشد، استرداد طبق مقررات این قانون، به شرط معامله متقابل خواهد آمد».

۳. اصول کلی حقوق

در روابط بین المللی اصولی حکومت می کند که مورد قبول عموم سیستمهای حقوقی کشورهای متمدن جهان می باشد و بین همه آنها مشترک است (روسو، شارل، حقوق بین الملل عمومی، با ترجمه، محمدعلی حکمت نیا، ۱۳۴۷، ج ۱، ص ۱۵۱) از جمله این اصول، اصل دوام دولت ها است بر همین اساس، چنانچه کشوری بر اساس پیمان های منعقد شده، عضو یکی از معاهدات بین المللی باشد، تغییر حکومت و رژیم سیاسی، موجب لغو قراردادهای بین المللی آن دولت نمی شود (عباسی، استرداد مجرمین، ۱۳۷۱، ص ۷۴) بر همین اساس بعد از وقوع انقلاب اسلامی و با تغییر رژیم سیاسی، (غیر از قرارداد ننگین کاپیتولاسیون با آمریکا و امثال آن) بسیاری از پیمان های منعقد شده با کشورها از جمله قرار استرداد مجرمین با فرانسه به حالت خویش باقی ماند و به نوعی مورد استصحاب قرار گرفت. از همین رو انعقاد قرارداد استرداد مجرمین، مبتنی بر اصول پذیرفته شده بین المللی می باشد. مقررات وضع شده در باره اصول کلی مانند عدم استرداد مجرمین نظامی و سیاسی بر اساس همین اصول کلی است که غالب کشورها آن را پذیرفته اند.

۴. عرف و عادت بین المللی

مبنای دیگر استرداد مجرمین عرف و عادت بین المللی است. استناد به عرف و عادت بین المللی در جایی مورد استناد قرار می گیرد که کشور نه قانون مدون در زمینه استرداد مجرمین داشته باشد و نه به معاهدات استرداد مجرمین پیوسته باشد. عرف و عادت بین المللی قاعده الزام آور نیست که بتوان به استناد به آن مجرمی را استرداد کرد. بلکه به خاطر ایمن ماندن کشور متقاضی عنه و کشور تقاضا کننده استرداد مجرم و حفظ نظم و امنیت بین الملل مجرمین استرداد می گردند... (عباسی، استرداد مجرمین، ص ۷۶) به عنوان مثال استرداد مجرمینی که مرتکب

جرائم جنگی، جرائم علیه بشریت و سایر جرائم بین‌المللی شده‌اند، در صورت فقدان قانون یا معاهده استرداد بر اساس عرف و عادت بین‌المللی استرداد می‌شوند. چنانکه در دادگاه‌های نورنبرگ و توکیو عرف و عادت بین‌المللی یکی از اصولی بود که دادستان دادگاه‌های مزبور به آن استناد کردند. (عباسی، استرداد مجرمین، ص ۷۷)

۵. شرط عمل متقابل

آخرین مبنای مورد عمل کشورها در زمینه استرداد مجرمین، شرط عمل متقابل است. استرداد بین کشورهایی که عهدنامه استرداد بین آن‌ها موجود می‌باشد، الزامی است و در شرط عمل متقابل اختیاری است و الزامی برای کشور متقاضی عنه پدید نمی‌آورد. بر همین اساس در اواخر جنگ جهانی دوم فردی که پس از اختلاس مبالغ کلانی از ایران به آمریکا فرار کرده مورد تقاضای استرداد قرار گرفت ولی با این وجود دولت آمریکا به دلیل فقدان عهدنامه استرداد مجرمین بین دو کشور از تحویل و استرداد وی به ایران امتناع کرد در مقابل نیز ایران فردی را که در آمریکا به جرم جعل اسکناس مورد تعقیب قرار داشت و به ایران فرار کرده بود، به دلیل عدم عمل آمریکا به شرط عمل متقابل، از استرداد وی به آن کشور امتناع کرد. (عباسی، استرداد مجرمین، ص ۷۸)

البته باید توجه کرد که شرط عمل متقابل منحصر در قرارداد استرداد بین دولت‌ها نیست بلکه در سایر عهده‌نامه‌های دو یا چندجانبه نیز مورد عمل قرار می‌گیرد. البته تفاوتی که در اینجا وجود دارد آن است که استرداد مجرمین بین دولت‌های متعاهد اجباری است اما بین کشورهای غیر متعاهد اختیاری است. به عنوان مثال میان ایران و لیبی معاهده استرداد منعقد نشده است اما چنانچه یک نفر از تبعه لیبی مرتکب جرمی شود و به ایران پناهنده شود اگر کشور لیبی از ایران تقاضای استرداد وی را بنماید دولت ایران می‌تواند تبعه لیبی را به شرط معامله متقابل به لیبی مسترد کند مشروط به اینکه لیبی هم از این پس اتباع ایرانی فراری را که پس از ارتکاب جرم به آن کشور پناهنده شده به ایران مسترد نماید. (عباسی، محمود، استرداد مجرمین، ص ۸۰)

گفتار سوم: اصول حاکم بر معاهدات استرداد مجرمین

از دقت در قراردادهای استرداد مجرمین بین دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی متوجه می‌شویم که اصولی حاکم بر آنهاست که معمولاً دو طرف، آن را موردپذیرش قرار می‌دهند که از مهم‌ترین این اصول موارد زیر می‌باشد:

۱. اصل عدم استرداد تبعه

یکی از اصول حاکم بر استرداد مجرمین، این است که فرد مورد تقاضای استرداد، تبعه کشور متقاضی عنه نباشد. اصل عدم تحویل و استرداد تبعه ناشی از این است که کشور مورد تقاضای عنه اعتمادی به دادگاه‌های کشور تقاضا کننده استرداد ندارد و آن را در تضاد با حمایت سیاسی کشورها از اتباع خویش می‌داند، ازاین‌رو در مناسبات بین‌المللی و معاهدات استرداد مجرمین بین دولت‌ها، اصل بر عدم استرداد تبعه می‌باشد، بااین‌حال برخی از کشورها مانند آمریکا و انگلیس به‌صورت استثنایی، در مورد تبعه از این اصل پیروی نمی‌کنند و در صورتی که کشور تقاضا کننده نیز متقابلاً با استرداد تبعه خویش با آمریکا و انگلیس موافقت نماید، آنان نیز تقاضای استرداد تبعه آمریکایی و انگلیسی را می‌پذیرند. (علی آبادی، پیشین، ۱۳۸۵ ج ۳، ص ۱۶۴) به نظر می‌رسد که این مسئله در جایی ممکن است که تبعه بعد از آنکه مرتکب جرمی شد و مورد پیگرد قرار گرفت با تغییر تابعیت خویش سعی می‌کند تا از محاکمه فرار نماید که بنا بر دیدگاه برخی از حقوق‌دانان، در چنین مواردی حتی تغییر تابعیت هم نمی‌تواند موجب معافیت از محاکمه و مجازات شود؛ زیرا وی پیش از آنکه تغییر تابعیت دهد، مرتکب جرم شده است. بااین‌حال اصل فوق‌الذکر مورد پذیرش عموم کشورها واقع شده و حتی در صورت تغییر تابعیت نیز تقاضای استرداد تبعه مورد پذیرش واقع نمی‌شود. (عباسی، استرداد مجرمین، ۱۳۷۱ ص ۱۳۹) این مسئله در ماده ۸ قانون استرداد مجرمین ایران مصوب ۱۳۳۹، ماده دوم، معاهده استرداد مجرمین ایران و فرانسه، ماده ۳ قانون استرداد مجرمین فرانسه و ماده ۲۸ قانون اساسی افغانستان مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین در بند ۱ ماده ۳ معاهده استرداد بین دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دولت جمهوری اسلامی ایران مصوب سال ۱۳۸۹ ه.ش.

مقرر شده است: در موارد زیر تقاضای استرداد پذیرفته نخواهد شد: ۱- شخصی که استرداد او درخواست شده در زمان ارتکاب جرم، تبعه طرف متعاقد درخواست شونده باشد.

۲. اصل عدم استرداد در جرایم سیاسی

اصلی دیگری که بر معاهدات استرداد حاکم است، عدم تحویل مجرمین سیاسی است. جرم سیاسی آن دسته از عملی است که در جهت مخالفت با امنیت یک کشور انجام می‌شود. (گرهارد فُن گلان، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، با ترجمه: سید داوود آقانی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۸۴) در واقع غیرقابل استرداد بودن جرایم سیاسی یکی از موارد استثنای معاهده‌های استرداد به شمار می‌آید. در تعریف جرم سیاسی آمده است: «جرم سیاسی عبارت است از اعمالی که به حقوق سیاسی دولت و حقوق سیاسی افراد لطمه وارد کرده و مخل امنیت داخلی یا خارجی یک دولت باشد و مجرم یا مجرمین برای برهم زدن و واژگون کردن رژیم و نظام موجود به اعتبار به وجود آوردن نظام جدیدی که به زعم خودشان بهتر است قیام کرده باشند و بر اثر این قیام و شورش موجب اخلال در اموری گردند که دولت از جهت نمایندگی قدرت عمومی عهده‌دار آن است». (عباسی، پیشین، ۱۳۷۱ ص ۱۵۰) به همین منظور دربند نخست و پنجم ماده چهارم معاهده استرداد بین دولت جمهوری اسلامی افغانستان و دولت امارات متحده عربی، موارد زیر را مشمول جرم سیاسی دانسته و متهم را غیرقابل استرداد می‌داند:

الف: هرگاه جرمی که بر اساس آن درخواست استرداد صورت گرفته جرم سیاسی یا دارای ماهیت سیاسی باشد یا معلوم باشد یا معلوم گردد که درخواست استرداد، اتهام شخص مورد نظر، یا محاکمه، یا مجازات آن به دلیل جرم سیاسی صورت گیرد.

ه: هرگاه شخصی که استردادش تقاضا گردیده نزد طرف درخواست شده از حق پناهندگی سیاسی برخوردار بوده باشد.

با این حال در موافقت‌نامه مذکور علی‌رغم تصریح بر عدم استرداد مجرمین سیاسی، در ماده پنجم این معاهده بعضی جرایم را مشخص و تصریح نموده اند که جرم سیاسی نمی‌باشد که قرار ذیل اند:

الف) جرم تجاوز یا شروع تجاوز علیه رئیس دولت یا رئیس حکومت یا یکی از افراد

خانواده آن‌ها یا یکی از اعضای مجلس اعلاى اتحاد دولت امارات متحده عربى یا یکی از افراد خانواده آنان.

ب) اعمال تروریستی اگر فرد یا افرادی متهم به انجام عمل تروریستی باشد مشمول قاعده عدم استرداد مجرمین سیاسى نمى‌شود

با مراجعه به تاریخ معاهدات استرداد، پی‌می‌بریم که برخلاف عرف و ضوابط بین‌المللى امروز، نخستین قراردادها و معاهده‌های استرداد بین دولت‌ها در قبال تحویل مجرمین سیاسى و مخالفین حکومتی بوده است؛ از دوران قدیم تا به حال رسم بین‌المللى بر آن بوده که دولت‌ها، مخصوصاً وقتی روابط نیک و حسنه باهم داشتند، پناهندگان و دشمنان را به یکدیگر تسلیم نمایند. در ایام گذشته استرداد بیشتر به خاطر جرائم سیاسى و نظامی بود. هنگامی که یکی از اوامر یا شاهزادگان یا مخالفین به هر دلیلى از مملکت خود فرار نموده و به کشور دیگر پناه می‌برد کشور متبوع، درصدد استرداد و مطالبه‌ی شخص فراری برمی‌آید. در تاریخ نمونه‌های فراوانی در این خصوص مشاهده می‌شود و حتی قرار دادهایی هم در این زمینه منعقد گردیده است که برای نمونه می‌توان به معاهده سال ۱۱۷۴ بین انگلستان و اسکاتلند و قرارداد سال ۱۳۰۳ میلادی بین انگلستان و فرانسه اشاره نمود (محسنی، کلیات حقوق جزا، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۰۷) آقای دکتر صانعی در این زمینه می‌نویسد: «استرداد مجرمین اول‌بار در مورد جرایم سیاسى متداول شد و دولت‌ها با همکاری یکدیگر دشمنان سیاسى خود را که از قلمرو کشور خارج شده بودند، مسترد داشته، به سختی مجازات می‌کردند. می‌دانیم که امروزه استرداد مجرمین در جرایم سیاسى معمول نیست.» (صانعی، حقوق جزای عمومی، ۱۳۷۱، ص ۳۲۸)

این امر از اواسط قرن نوزدهم کاملاً برعکس شده و در حال حاضر تمامی معاهداتی که به تصویب دولت‌های می‌رسد جرایم سیاسى و نظامی را از شمول قرارداد مستثنی می‌کنند، حتی در برخی از معاهدات مانند ماده هشتم قانون استرداد ایران مصوب ۱۳۳۹ و ماده سوم معاهده استرداد مجرمین بین ایران و ترکیه و ایران و پاکستان، این امر پیشی بینی شده است که چنانچه معلوم شود، استرداد مجرم به علت مقاصد سیاسى می‌باشد، تقاضای استرداد وی مورد قبول واقع نخواهد شد. (محسنی، کلیات حقوق جزا، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۴۱۴) علت عدم استرداد مجرمین

به این دلیل است که در جرایم سیاسی برخلاف جرایم دیگر به منافع و نظم عمومی سوءنیتی وجود ندارد و مرتکب صرفاً به قصد براندازی نظام و رژیم سیاسی اقدام به عملی کرده است که از سوی آن حکومت جرم تلقی می‌شود. همچنین مرتکب به دلیل نارضایتی از سیاست‌های حاکمیت و دولت اقدام به شورش علیه آن کرده است تا به تغییر رژیم سیاسی به آرمان خویش برای بسط و گسترش عدالت در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی فرهنگی و ... دست بآید؛ و درواقع تحویل وی به آن حکومت تقاضاکننده دور از انصاف و عدالت است.

۳. اصل عدم استرداد مجرمین نظامی

اصل دیگری که بر معاهدات استرداد مجرمین حاکم است، عدم استرداد مرتکبین جرایم نظامی است. اکثر کشورها این اصل را به دلیل پرستیژی که برای خویش قائل‌اند، در قوانین داخلی خویش گنجانده و پذیرفته‌اند. همچنین در قوانین ویژه استرداد و نیز معاهدات استرداد مجرمین یکی از موارد غیرقابل استرداد، عدم استرداد مجرمین نظامی ذکر شده است. قانون‌گذار ایران در بند ماده ۸ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ ه.ش مقرر کرده است: «هرگاه جرم ارتكابی از جرایم نظامی باشد» استرداد مورد قبول نخواهد شد. همچنین در ماده پنجم معاهده استرداد مجرمین بین دولت ایران و فرانسه، قسمت ب بند ۲ از ماده ۳ معاهده استرداد مقصرین بین ایران و ترکیه، قسمت ب ماده سوم معاهده استرداد بین ایران و پاکستان و بند ۲ از ماده ۳ معاهده استرداد بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی افغانستان، بر اصل عدم استرداد مجرمین نظامی تأکید و تصریح شده است چنانکه در بند ۲ ماده ۳ معاهده مزبور این‌گونه مقرر شده است: اگر جرمی که موجب تقاضای استرداد شده، جرم سیاسی یا نظامی باشد مجرم قابل استرداد نخواهد بود عدم استرداد مجرمین نظامی مورد اتفاق بسیاری از حقوق‌دانان می‌باشد. (ر.ک: عوده، التشریع الجنایی الاسلامی، ۱۹۹۸، ص ۴۷۸، علی آبادی، حقوق جنایی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۸۷، صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۱۴)

به اعتقاد حقوق‌دانان، "در جرایم نظامی مانند جرایم سیاسی اصل استرداد مجرمین پذیرفته نشده و مجرمین نظامی به تقاضای دولت ذی‌نفع مسترد نمی‌شوند." به همین منظور در قرارداد استرداد مجرمین کشورهای اروپایی، جرایم نظامی از فهرست جرایمی که مجرمین آن قابل

استرداد هستند، خارج شده است. (عباسی، استرداد مجرمین، ص ۱۶۱) از اصل عدم استرداد مجرمین نظامی، نظامیانی که مرتکب جرایم بین‌المللی شده‌اند به این دلیل که مجنی‌علیهم غیر نظامیان باشند، استثنا شده است. جرایم علیه صلح، جرایم علیه بشریت و جنایات جنگی در عداد جرایم بین‌المللی به شمار می‌آیند و مرتکبین آن به درخواست دولت متقاضی که متضرر از این نوع جنایات شده‌اند و یا به درخواست دادگاه بین‌المللی می‌توانند مورد استرداد قرار بگیرند.

گفتار چهارم: شرایط استرداد مجرمین

در معاهده‌های استرداد مجرمین علاوه بر اصول حاکم بر آن، شرایطی نیز وجود دارد که در قراردادهای منعقد شده بین دولت‌ها مورد تأکید قرار می‌گیرند؛ که ذیلاً به تبیین آن شرایط پرداخته می‌شود.

۱. وجود معاهده استرداد مجرمین بین دولت متقاضی و دولت متقاضی عنه

این شرط، جزء شروط اولیه موضوع استرداد مجرمین به شمار می‌رود که با نبود این شرط، استرداد مجرمین معنا پیدا نمی‌کند. به طور کلی برای اینکه مجرمین بی‌کیفر نمانند، بین کشورها معاهداتی منعقد می‌شود تا بتوانند آنان را باز فراخوانده و مورد مجازات قرار دهند. با این حال اختلاف دولت‌ها در باره جرایم مستلزم استرداد مجرمین، لزوم وجود یک عهدنامه بین‌المللی که در بر گیرنده تمامی جرایم قابل استرداد باشد را ضروری می‌نمایند؛ به همین دلیل کشورهای اروپایی با انعقاد معاهده استرداد مجرمین سعی کردند این مشکل را حل نمایند. (عباسی، استرداد مجرمین، ص ۸) بر این اساس کشور متعهد بر اساس معاهده‌های موجود به تقاضای کشور متقاضی رسیدگی کرده و در صورت وجود شرایط، وی را با طی تشریفات قانونی به کشور تقاضا کننده مسترد می‌دارد.

۲. مهم بودن جرم ارتكابی

در زمینه استرداد مجرمین یکی از شرایط مهم، توجه به اهمیت جرم ارتكابی است. بر این اساس دولت‌ها برای جلوگیری از تشریفات طولانی استرداد مجرمین، به روش‌های مختلفی سعی می‌کنند جرایم دارای اهمیت را از جرایم کم اهمیت یا بی‌اهمیت جدا سازی نموده و صرفاً جرائمی را در معاهده‌های استرداد می‌گنجانند که دارای اهمیت باشد. (پور بافرانی، حقوق

جزای بین الملل، ۱۳۹۰، ص ۲۲۱) از همین رو در قانون راجع به استرداد ایران مجرمین مصوب ۱۳۳۹ جرایمی مانند جنحه های کوچک و خلاف که در عداد جرایم بی اهمیت به شمار می آیند را از شمول قرار استرداد خارج نموده است.

به طور کلی در معاهده های استرداد مجرمین، جرایم قابل استرداد و غیر قابل استرداد، به سه صورت می تواند مورد تفکیک قرار بگیرد:

الف) روش احصاء قانونی

در این روش، قانون گذار (همان گونه که در مبحث راجع به اصول حاکم بر معاهده های استرداد گذشت) در مواردی می تواند در ضمن قانونی برخی از جرایم را به صورت احصایی از شمول قرار استرداد خارج نماید. با این حال " این روش به دلیل فقدان آئین دادرسی استرداد، نبود رویه واحد و اختلاف در تفسیر جرایم قابل استرداد در عمل با مشکلاتی مواجه شده و منسوخ شده است. " (عباسی، پیشین، ۱۳۷۱، ص ۱۱۸)

ب) روش اتهام متقابل

روش دیگری که برای تفکیک بین جرایم قابل استرداد و جرایم غیر قابل استرداد مورد عمل دولت ها در معاهده استرداد مجرمین می باشد، روش اتهام متقابل است که در قوانین داخلی اغلب کشورها پذیرفته شده است.

این روش " از آن چنان کلیت و عمومیتی برخوردار است که قبل از انعقاد قرارداد و بعضاً تقاضای استرداد مجرمین، در صورتی می توان از کشوری که مجرم یا متهم بدانجا پناهنده شده تقاضای استرداد نمود که کشور متقاضی عنه نیز جهت فعل ارتكابی متهم یا محکوم مجازات پیش بی کرده باشد. " (همان، ص ۱۱۹) قانون گذار در ایران ذیل ماده ۴ قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ به روش اتهام متقابل اشاره کرده و مقرر داشته است: " در تمام موارد مذکور، در این ماده، استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع می شود که عمل ارتكابی طبق قوانین ایران مستلزم مجازات های جنائی یا جنحه باشد. ". به موجب قانون فوق، در معاهده های منعقد شده بین ایران و پاکستان دربند الف و ب ماده دوم، قانون استرداد مقصرین بین دولت ایران و ترکیه دربند یک از ماده

سوم، به این روش تأکید شده است. دربند یک از ماده سوم عهدنامه استرداد مجرمین منعقد شده بین ایران و فرانسه مقرر شده است: "افرادی که به علت ارتکاب جنایت یا جنحه هائی که بر طبق قوانین طرفین قرارداد، مجازات آن‌ها حداقل یک سال زندان بوده و مورد تعقیب قرار گرفته باشند (قرار داد استرداد مجرمین ایران و فرانسه مصوب ۱۳۴۵ به نقل از اسناد و معاهدات دوجانه ایران با سایر دول، تهران، نشر اسناد دفتر مطالعاتی سیاسی و بین‌الملل وزارت خارجه، چاپ اول، ۱۳۶۹).

با این حال به باور برخی از حقوق‌دانان، همین‌که عمل در یکی از کشورها جرم باشد، برای استرداد کفایت می‌کند، زیرا؛ استرداد به‌نوعی تعاون بین‌المللی است و صرفاً جنبه اداری دارد نه اینکه یک اقدام قضایی باشد.

ج) روش تشخیص بر حسب میزان مجازات

این روش پس از خاتمه جنگ جهانی دوم، بین دولت‌ها مرسوم شده است. این روش برای پایان دادن به اختلافات موجود بین کشورها در باره تفسیر جرایم قابل استرداد با اهمیت از جرائم بی اهمیت بنا نهاده شده است؛ به عبارت دیگر آن دسته از جرایمی موضوع معاهده‌های استرداد بین دولت قرار می‌گیرند که از درجه اهمیت زیادی برای کشور تقاضا کننده استرداد برخوردار باشد. به عنوان مثال در ماده سوم معاهده استرداد بین ایران و فرانسه مصوب ۱۳۴۵ ش مقرر کرده است که افراد ذیل مشمول قرارداد استرداد می‌باشند:

۱. افرادی که به علت ارتکاب به جنایات یا جنحه‌هایی که بر طبق قوانین طرفین قرارداد، مجازات آن‌ها حد اقل یک سال زندان بوده، مورد تعقیب قرار گرفته باشند.
۲. افرادی که مرتکب اعمالی می‌شوند که به موجب قوانین دولت ایران طرف تقاضا، جنایت یا جنحه شناخته شده و از طرف دادگاه‌های دولت تقاضا کننده، حضوراً یا غیاباً به مجازات‌های زیر محکوم شده باشند:

الف) حد اقل به سه ماه زندان یا بازداشت تأمینی سالب آزادی که حد اقل آن ۶ ماه باشد.

ب) به مجازات‌هایی که مجموع آن‌ها حد اقل سه ماه زندان باشد به شرط آنکه مجازات یکی ارتكابی بموجب قوانین طرفین قرارداد، لا اقل یک سال زندان باشد.

همچنین در ماده ۲ قرارداد استرداد مجرمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت

جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۹ ه.ش مقرر شده است؛ استرداد مجرمین در موارد زیر امکان پذیر می باشد:

(الف) تقاضای استرداد به لحاظ ارتکاب، اعمالی می باشد که مطابق قانون هر دو طرف متعاقد جرم محسوب شود و حداکثر مجازات آن کمتر از يك سال حبس نباشد.

(ب) استرداد شخصی تقاضا شده باشد که مجازات جرم ارتكابی وی از مدت مذکور در بند (الف) این ماده بیشتر نباشد و حکم صادره نیز لا اقل شش ماه حبس یا مجازات سنگین تری غیر آن باشد. از مواد فوق و نیز مشاهده معاهده های استرداد بین کشورهای مختلف دنیا به این نتیجه دست می یابیم که جرایم قابل استرداد آن دسته از جرایمی است که حد اقل مجازات آن ۶ ماه زندان حبس باشد.

۳. جرم بودن عمل ارتكابی در هر دو کشور (متقاضی و متقاضی عنه)

شرط دیگری که در زمینه استرداد مجرمین معتبر می باشد، جرم بودن عمل در هر دو کشور تقاضا کننده و متقاضی عنه است؛ به عبارت دیگر؛ جرم بودن عمل ارتكابی (در هر دو کشور) در اصل جزء مقومات ماهیت استرداد مجرمین به شمار می آید. به عنوان مثال اگر قرار منعقد شده بین ایران یا یکی از کشورهای اروپایی یا غربی وجود داشته باشد، بدین معناست که جرمی واقع شده در مواردی قابل استرداد است که عمل ارتكابی در هر دو کشور تقاضا کننده و متقاضی عنه، قابل تعقیب کیفری باشد.

به عنوان مثال تعدد زوجات در کشور کانادا جرم به شمار می آید، درحالی که در بسیاری کشورهای آسیایی، آفریقایی و به ویژه کشورهای اسلامی و برخی از کشورهای شبه قاره هند تعدد زوجات نه تنها جرم نیست بلکه جزء سنت ها و رسوم اقوام، ملل و قبایل این کشورهاست. بر این اساس در این مورد نمی تواند مجرم مورد استرداد قرار بگیرد. همچنین بنا بر قانونی که دو سال پیش تحت فشار کشورهای غربی - عربی و به ویژه آمریکا در افغانستان به تصویب رسیده است آن دسته از اتباع افغانستانی که به عضویت سپاه فاطمیون در آمده و یا با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران همکاری می کنند تحت پیگرد قرار گرفته و در صورتی که به افغانستان مراجعت نماید، به حبس های طویل المدت تا ۱۸ سال محکوم خواهد شد. درحالی که دفاع از حرم اهل بیت (علیهم السلام) و مقاومت در برابر استکبار جهان خوار و داعش یکی از افتخارات سپاه فاطمیون - متشکل از رزمندگان

افغانستانی - می‌باشد. بر این اساس دولت افغانستان نمی‌تواند تقاضای استرداد این دسته از اتباع خویش را نماید؛ زیرا این عمل در ایران نه تنها جرم نیست بلکه یک افتخار به شمار می‌آید. همچنین چنانچه در بین دولت جمهوری اسلامی ایران و کشورهای اتحادیه اروپایی معاهده استرداد منعقد شود و عمل ارتكابی در ایران، مجازات اعدام داشته باشد، دولت ایران نمی‌تواند تقاضای استرداد مجرم را کند؛ زیرا کشورهای غربی به ویژه اروپایی مجازات اعدام و حتی حبس‌های طویل‌المدت مانند حبس ابد را نمی‌پذیرند. در مقابل اگر کسی در فرانسه یا آلمان مسئله هولوکاست را زیر سؤال برده و دادگاه‌های این دو کشور آن فرد را به مجازات حبس محکوم نماید و او به ایران فرار نماید، این دو کشور نمی‌توانند از ایران تقاضای استرداد مجرم یا متهم فراری را کنند؛ زیرا انکار هولوکاست در ایران جرم به شمار نمی‌آید.

۴. وقوع جرم در کشور تقاضا کننده

شرط دیگر معاهده استرداد مجرمین این است که جرم در سرزمین کشور متقاضی استرداد واقع شده باشد. یکی از اندیشمندان در این زمینه می‌نویسد: «غالباً کشوری که در خاک او جرم ارتكاب یافته تقاضای استرداد مرتکب را می‌نماید؛ زیرا این کشور است که از جرم ارتكابی متحمل خسارت شده است و محاکم آن بیش از سایر مراجع واجد صلاحیت برای رسیدگی می‌باشد». (علی‌آبادی، پیشین، ج ۳، ص: ۱۵۵-۱۵۶) البته این شرط مانع از درخواست تقاضای استرداد فرد خارجی که در خارج از کشور متقاضی بر علیه افراد یا دولت متقاضی مرتکب جرم شود، نیست. به عنوان مثال اگر چنانچه یک فرد آمریکایی در کشور پاکستان مرتکب جعل اسکناس ایران شود، ولو اینکه مرتکب در ایران مرتکب جرم نشده است، با این حال از آنجایی که اقتصاد ایران از این عمل متضرر شده است، دولت ایران می‌تواند تقاضای استرداد وی را از پاکستان نماید.

گفتار پنجم: آثار حقوقی معاهدات استرداد مجرمین

معاهده‌های استرداد مجرمین آثار حقوقی در پی دارد که به عنوان آخرین گفتار این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۱. محدود بودن اختیار دولت تقاضا کننده

نخستین اثر حقوقی استرداد مجرمین ناظر به محدودیت های دولت تقاضا کننده در باره اجرای مجازات مجرم است. بر این اساس پس از آنکه تشریفات قانونی و دیپلماتیک طی شده و مجرم به کشور تقاضا کننده مسترد گشت، آن کشور نمی تواند هر گونه که خواست مجرم را مجازات نماید و لازم است بر اساس آئین نامه و شرایط عنوان شده در معاهده استرداد، مجرم را مجازات نماید.

از جمله محدودیت های دولت تقاضا کننده می توان به دو عنوان زیر اشاره کرد:

الف) دولت تقاضا کننده حق ندارد شخص مسترد شده را برای جرایم ارتكابی قبل از استرداد که در تقاضا نامه به آن اشاره ای نشده است، محاکمه نماید.

ب) دولت تقاضا کننده حق ندارد، مجازات های خشن و غیر انسانی را نسبت به شخص مسترد شده به موقع اجرا بگذارد. (محمود آخوندی، آیین دادرسی کیفری، ۱۳۸۸، ج، ص ۳۶۱-۳۶۰) در واقع این شرط ناظر به رعایت اصل احترام به مقررات بین المللی است که کشورهای تقاضا کننده به تعهدات بین المللی خویش طبق معاهده رفتار و عمل نماید.

۲. اصل تخصیص

منظور از اصل تخصیص این است که کشور تقاضا کننده پس از استرداد مجرم صرفاً در باره همان جرمی که در تقاضای استرداد عنوان کرده مجرم را مجازات نماید. بر این اساس چنانچه در حین محاکمه یا مجازات فرد مسترد شده معلوم گردد که وی علاوه بر جرمی که در تقاضای استرداد ذکر شده، مرتکب جرم دیگری هم شده باشد که به واسطه آن جرم نیز می توانست مورد استرداد قرار بگیرد، کشور متقاضی نمی تواند متهم را به اتهام آن جرم تحت تعقیب کیفری قرار دهد. مگر در صورتی که رضایت کشور متقاضی عنه را کسب نماید.

از این رو در ماده ۲۳ قانون استرداد مجرمین مصوب ۱۳۳۹ مقرر شده است: «شخصی را که استرداد او مورد قبول واقع شده، نمی توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب شده مورد تعقیب قرارداد یا مجازات نمود مگر با جلب رضایت کشور مسترد کننده.» بنابراین استرداد بر اصل اختصاصیت مبتنی است و به موجب این اصل در هیچ موردی

حتی اگر خود متهم تمایل خود را ابراز نماید، نمی‌توان متهم را غیر از جرم ارتكابی قبلی که موضوع حکم استرداد قرار گرفته است، تحت تعقیب یا مجازات نمود. (آخوندی، محمود، آیین دادرسی کیفری، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۶۱-۳۶۰)

نتیجه

از مجموع آنچه گذشت نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. معاهدات استرداد مجرمین برای بازگرداندن مجرم فراری از کشور متقاضی عنه به کشور محل وقوع جرم و نیز به کشور متضرر از جرم، می‌باشد.
 ۲. استرداد مجرمین، مبتنی بر وجود معاهده، قوانین داخلی و اصول کلی حقوق می‌باشد، در زمانی که بین کشور تقاضا کننده و متقاضی عنه، پیمان استردادی وجود نداشته باشد، بازگرداندن مجرمین مبتنی بر دو اصل عرف و عادت بین‌المللی و یا شرط معامله متقابل استوار است.
 ۳. بر معاهدات استرداد مجرمین اصول عدم استرداد تبعه، عدم استرداد در جرایم سیاسی و عدم استرداد مرتکبین جرایم سیاسی حاکم است.
 ۴. استرداد مجرمین دارای شرایط و ضوابط خاصی است که عبارتند از: وجود معاهده استرداد مجرمین، جرم ارتكاب یافته مستلزم خطر مهمی برای جوامع باشد و در نهایت باید بین کشور متقاضی استرداد، کشور متضرر از جرم و کشور متقاضی عنه، معاهده استرداد مجرمین وجود داشته باشد.
- ضمن اینکه محدود بودن اختیارات دولت تقاضا کننده استرداد مجرمین در اعمال مجازاتی که در تقاضای استرداد عنوان شده و نیز اصل تخصیص مجازات به جرم عنوان شده در تقاضای استرداد از آثار مهم معاهدات استرداد مجرمین است و از این رو کشور متقاضی یا متضرر از جرم، بر اساس جرم دیگری که بعد از استرداد کشف شده است، نمی‌تواند مجرم را مجازات نماید.

کتابنامه

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم ظاهراً به آیات قرآن در این مقاله استناد نشده که باید حذف گردد
- ابن منظور، ابوالفضل، جمال‌الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۱۵ جلد، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم، ۱۴۱۴ ه ق
- آخوندی، محمود، آئین دادرسی کیفری، تهران، سازمان چاپ و انتشارات، چاپ یازدهم، ۱۳۸۸ ه.ش
- پور بافرانی، حسن، حقوق جزای بین‌الملل، تهران، انتشارات جنگل، چاپ سوم، ۱۳۹۰.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش، سوم، ۱۳۸۹ ه.ش.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن الکریم، بیروت، دار العلم، چاپ اول، ۱۴۱۲ ه.ق
- روسو، شارل، حقوق بین‌الملل عمومی، با ترجمه، محمدعلی حکمت‌نیا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۷.
- شرتونی، سعید، اقرب الموارد، بیروت، دار الشرح، چاپ سوم، ۱۹۹۸ م
- صافی، ودیر، حقوق بین‌الملل عمومی، کابل، انتشارات دانشگاه کابل، چاپ دوم، ۱۳۸۳ ه.ش
- صانعی، پرویز، حقوق جزای عمومی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۱ ه.ش
- صفدری، محمد، حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، بی تا.
- عباسی، محمود، استرداد مجرمین، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۷۱ ه.ش
- علی‌آبادی، عبدالحسین، حقوق جنایی، تهران، انتشارات فردوسی، چاپ پنجم، ۱۳۸۵ ه.ش
- عمید، حسین، فرهنگ عمید، تهران، فرهنگ نما، چاپ اول، ۱۳۸۸ ه.ش.
- عوده، عبدالقادر، التشریع الجنایی الاسلامی، بیروت، دار الکتاب العربی، چاپ دوم، ۱۹۹۸ م.
- فن‌گلان، گرهارد، درآمدی بر حقوق بین‌الملل عمومی، با ترجمه: سید داود آقائی، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۷۸.
- گارو، مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا، با ترجمه: سید ضیاءالدین نقابت، تهران، مهراگین، بیچا، ۱۳۴۳.

- محسنی، مرتضی، دوره حقوق جزای عمومی، تهران، گنج دانش، چاپ دوم، ۱۳۸۲ ه.ش.
- نفیسی، علی‌اکبر، فرهنگ نفیسی، تهران، گنجینه، چاپ اول، ۱۳۷۸ ه.ش
- ب) قوانین داخلی و معاهده‌های بین‌المللی
- عهدنامه استرداد مقصرین با پاکستان مصوب ۱۳۳۹
- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان
- قانون استرداد مجرمین فرانسه مصوب ۱۹۲۷
- قانون راجع به استرداد مجرمین ایران مصوب ۱۳۳۹
- قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران
- قرار استرداد مجرمین بین دولت ایران و دولت فرانسه مصوب ۱۳۴۵/۸/۲۲
- قرارداد استرداد مقصرین و تعاون قضایی در امور جزایی و تعاون قضایی بین دولت ایران و دولت ترکیه مصوب ۱۳۱۶ ه.ش
- معاهده استرداد مجرمین و متهمین بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری اسلامی افغانستان مصوب ۱۳۸۹ ه.ش.

